

درباره غیبت ایران در نشست شرم‌الشیخ

حلقه مفقوده ابتکار دیپلماتیک



رضا رئیس

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

نشست «شرم‌الشیخ» در مصر، سه غایب بزرگ داشت. نتانیاهو و اسرائیل، جنبش حماس و جمهوری اسلامی ایران، غایبان این اجلاس بین‌المللی بودند. اولی و دومی ذینفعان مستقیم موضوع اجلاس‌یه بودند و بودونبودشان تفاوت محسوسی در نشست دیپلماتیک برقرار نشده ایجاد نمی‌کرد و لزومی هم به حضور آنان نبود. اما اینکه ایران به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی معادلات ژئوپلیتیکی خاورمیانه در اجلاس حضور نیافت، محل توجه و مذاقه است؛ به‌خصوص از زاویه نقش و جایگاه روندها و فرایندهای دیپلماتیک در شکل‌دهی به منافع ملی در این برهه خاص و تاثیر وثیق و اثرگذاری عمیق، هرگونه فعل و انفعالی در حوزه سیاست خارجی و بازتاب مستقیم آن بر شرایط و وضعیت داخلی کشور.

از بُعد سیاست خارجی و رویکردهای مسبوق به سابقه منطقه‌ای، از همان ابتدای انتشار خبر دعوت ایالات متحده از رئیس‌جمهوری ایران برای حضور در نشست، واضح به نظر می‌رسید که ایران دست رد به حضور در این نشست بزند و حتی دعوت دوقبضه جمهوری عربی مصر را هم نپذیرد. ایران از ابتدای انقلاب و به‌خصوص در طول سه دهه اخیر که نخله‌ها و هسته‌های مقاومت در منطقه تضج گرفته و در برابر جریان سازش و مصالحه قد برافراشت، خود را حامی و قطب اصلی پشتوانه این جریان معرفی می‌کرد و در این مسیر به ایفای نقش می‌پرداخت و طبیعی است که یک‌کسبه و ناگاهانی و با یک دعوت بر روی فرش قرمز اجلاسی که سران سازشکار عربی (در قالب تعریف سنتی و همیشگی) در همراهی با آمریکا آن را آراسته‌اند، گام بر ندارد. شاید هم اگر قرار بر تغییر رویکرد و چرخش استراتژیک باشد، حضور در چنین نشست مستقاص معامله به ثمن بخش و نامتوازن با همه هزینه‌های گزافی باشد که تاکنون متحمل شده و تصویر متفاوتی است که از خود در افکار عمومی منطقه ثبت و ضبط کرده‌ایم و خود را در جایگاه رهبری و راهبری گفتمان مقاومت قرار داده‌ایم. با چنین مفروضاتی در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای، انتظار حضور در نشست شرم‌الشیخ و پذیرش دعوت به عمل آمده، کمی رویایی و خیال‌پردازانه بود. اما اگر از زاویه کلان‌تری به موضوع بنگریم و کنشگری عام و هدفمند در حوزه سیاست خارجی را در راستی انتفاع حداکثری در مسیر منافع ملی مدنظر قرار دهیم، شاید به نتیجه متفاوتی برسیم و حضور در نشست را از زاویه دیگری ببینیم. از یاد نبریم که عدم حضور اسرائیل در نشست که منطبق بر حق تحفظ شماری از کشورهای اسلامی حاضر در نشست شکل گرفت، مهمترین خط قرمز ما را محفوظ می‌داشت و اینکه علاوه بر آمریکا، مصر میزبان هم از م دعوت به عمل آورده بود، آن حرکت در مسیر خواست آمریکا در برگزاری نشست سازش و سیاست خاورمیانه جدید را از حیز انتفاع ساقط کرده و حضور ما را توجیه‌پذیر می‌کرد.

از منظری دیگر، در حالیکه مذاکرات هسته‌ای و روند پیگیری دیپلماتی در این پرونده مهم ملی به بن‌بست محسوس و غیرقابل کتمان رسیده و برای تغییر در این روند، نیازمند ابتکار دیپلماتیک و روزنه‌گشایی هستیم؛ حضور در این اجلاس می‌توانست ارسال پالس متفاوت در این وضعیت بن‌بست باشد و زمینه‌های تازه‌ای را برای پیگیری روندهای دیپلماتیک بگشاید، بدون آنکه نیاز به زمینه‌سازی و صرف وقت و هزینه‌های بسیار برای آغاز دور تازه‌ای از مذاکرات آن‌هم در قالب رایزنی‌های بسیار پیشامذاکراتی باشیم.

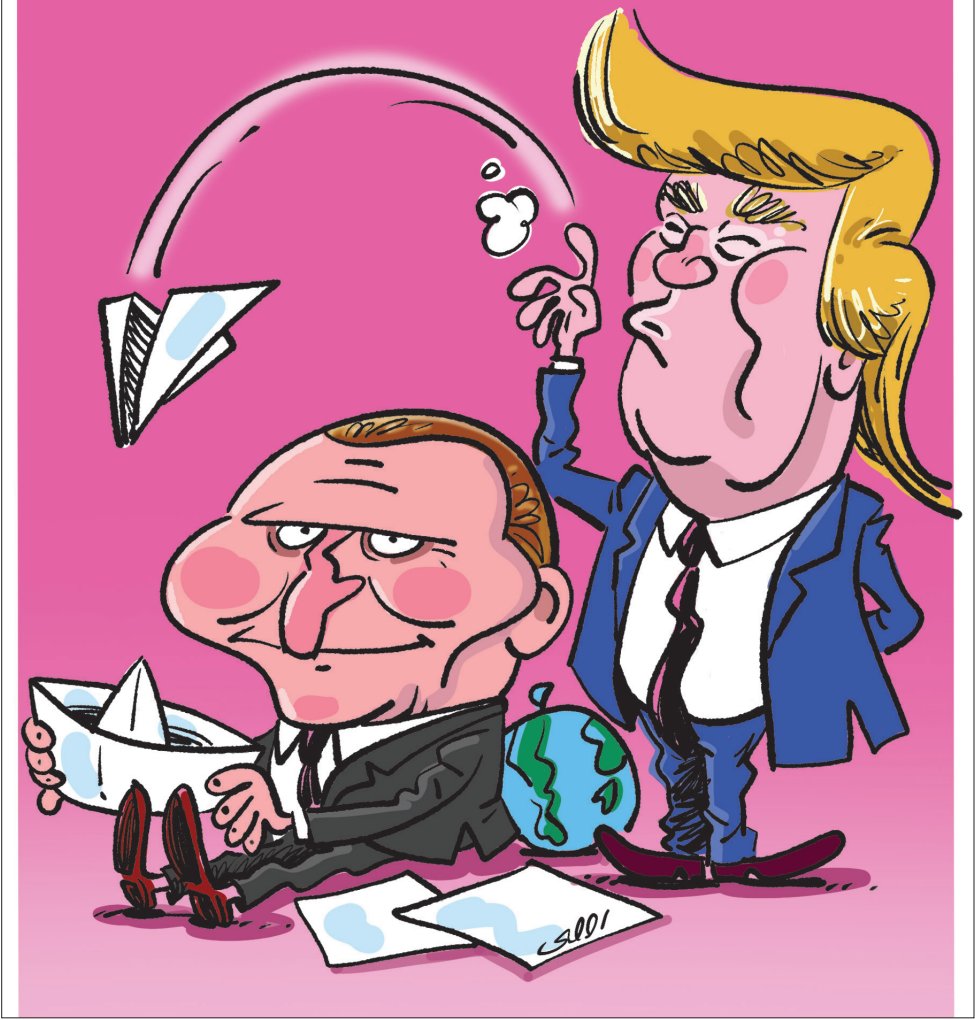
در دیگر سو، چه موافق مذاکره با غرب باشیم و چه مخالف آن، این نکته کتمان‌شدنی نیست که برای طی طریق در هر دو مسیر، نیازمند ارتباط، همکاری و همگرایی و پیگیری دیپلماسی پویا در حوزه منطقه‌ای و با کشورهای همسایه هستیم و نکته آنکه عمده کشورهای مهم منطقه‌ای و اسلامی در این نشست حضور داشتند و ما می‌توانستیم با حضور در این نشست، کلیدزنده دور تازه‌ای از همکاری‌های بین دول اسلامی باشیم. در شرایطی که دشمنان ایران از جمله اسرائیل همواره با دمیدن بر پروژه ایران‌هراسی، ایران را تافته جدابافته و قطب رقیب و ناهمسو با کشورهای اسلامی معرفی کرده‌اند و درصدد جا انداختن چنین پنداری هستند. هر چه هست، این نکته را نباید از نظر دور داشت که در شرایط خاص و فوق‌العاده‌ای که در حوزه سیاست خارجی با آن مواجه هستیم، بدون فرصت‌شناسی، تدوین و ترسیم استراتژی‌های نوین و منطبق با مسیر تحولات نظام بین‌الملل، بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های ممکن و بازنگری در عملکردها و شعارهای کلیشه‌ای و تغییر پارادایم و نگاه متفاوت به فرصت و امکان‌ها نمی‌توانیم دستمایه‌ای برای انتفاع حداکثری در راستای منافع ملی و خیر جمعی رقم بزنیم. این البته کار شاق و سختی نیست و نیاز به عدول از مواضع اصولی هم ندارد و تنها درایت و تدبیر و ابتکار می‌خواهد.

در سیاستش رخ داده است؛ اینکه ایران می‌توانست نشان دهد بر اساس منافع ملی برای آمادگی همراهی با روندها و اقدامات بین‌المللی را دارد. خبرگزاری‌ها و رسانه‌های اصلی جهان در این اجلاس حضور داشتند و ایران می‌توانست مواضع خود را ارائه کند. همه این موارد را می‌پذیرم اما نظام تصمیم گرفت که در این اجلاس شرکت نکند و به‌نظم ملاحظاتی وجود داشته است. حتی من ابتدا موافق حضور ایران بودم اما بعد از سخنرانی ترامپ در کنست و دعوت الیسی از نتانیاهو، در این نگاه تردید کردم.» او ادامه داد: «اگر نتانیاهو در این اجلاس حضور پیدا می‌کرد، سوالاتی درباره حضور ایران به وجود می‌آمد. از سوی دیگر ترامپ ابتکاری به خرج داد و خوشبختانه به نتیجه رسید. اما مشخص نیست که اسرائیل وقتی گروگان‌هایش را پس گرفت، دوباره شیطنتی در منطقه نکند. آن‌جا هم اتفاق خاصی رخ نداد و خبری از قرارداد و مصالحه جدیدی نبود. گروگان‌ها تبادل شدند و یک مراسم نمادین در شرم‌الشیخ برگزار شد. بنابراین با توجه به این مسائل و صحبت‌های ترامپ در کنست، این تصمیم صحیح بود. آنچه ایران در حاشیه اجلاس شرم‌الشیخ می‌توانست به دست بیاورد مانند اعلام مواضع و تغییر سیاست‌های خود، از کانال‌های دیگر هم امکان‌پذیر است. از جمله اینکه ایران سیاست معارضة و تعارض را کنار گذاشته و واقعا می‌خواهد نه با اسرائیل که با روندهای موجود در جهان برای حل مسئله فلسطین تعامل کند. بیانیه‌وزارت امور خارجه در این باره و حمایت از تصمیم حماس برای پذیرش طرح ترامپ در همین راستا خیلی خوب بود. نشانه خوبی محسوب می‌شد که ایران نشان می‌دهد این تغییر را پذیرفته و به خواسته فلسطینی‌ها احترام می‌گذارد که راهکارهایی برای تحقق دولت فلسطینی و کاهش آلام خود و پایان اشغالگری را دنبال کنند که در حال حاضر به عنوان طرح دودولتی در دنیا مطرح می‌شود. به‌نظم تصمیم درستی گرفته شد اما عدم حضور ایران در این اجلاس نباید مانع شود که تهران روش منعکس‌شده در بیانیه‌وزارت امور خارجه در حمایت از تصمیم فلسطینی‌ها را کنار بگذارد. ایران باید در سیاست یا راهبرد خاورمیانه‌ای خود تغییراتی بدهد و این تغییرات هم به‌نظر من از مسیر همراهی با مردم فلسطین می‌گذرد.»

▼ با استدلال عراقچی درباره اجلاس شرم‌الشیخ موافق نیستم

کوروش احمدی، تحلیلگر سیاست خارجی درباره تصمیم ایران به عدم حضور در اجلاس شرم‌الشیخ به هم‌مپن گفت:
«تصور ابتدایی من این بود که احتمالا ایران در سطحی پایین‌تر در اجلاس شرم‌الشیخ شرکت می‌کند اما تصمیمی که اتخاذ شد را هم از جهاتی درک می‌کنم. شاید نگران بوده‌اند که اتفاقات غیرمنتظرای پیش بیاید. همچنان مشخص نبود که نتانیاهو در این اجلاس حضور پیدا می‌کند یا نه. فکر می‌کنم اگر قرار به حضور بود، برخی از سران شرکت نمی‌کردند. البته اگر مقامات مان‌گران بیانیه پایانی اجلاس بودند، امکان تحفظ همیشه وجود داشت اما به‌رغم این عدم قطعیت‌ها، خوب بود که ایران حداقل در سطحی پایین به این اجلاس می‌رفت. حضور همیشه بر عدم حضور مرجح است. عدم شرکت ایران در نشست باعث می‌شود تهران خود را بیش از پیش از جریان اصلی سیاست در خاورمیانه کنار بکشد. جریانی که امروز فردا و فرادهای بعد در خاورمیانه وجود خواهد داشت. تا جایی که می‌دانیم گویا چین و روسیه به این اجلاس دعوت نشده‌اند. این موضوع اگر درست باشد خاورمیانه را به مسائل بین‌المللی ربط می‌دهد و از این جهت که از این به بعد رقابت قدرتهای جهانی در رأس اولویت‌های آمریکا خواهد بود. آمریکا تلاش می‌کند موقعیت خودش را در مقابل چین و تا حدی کمتر برابر روسیه تقویت کند. به‌خصوص با توجه به رقابت‌های گسترده‌ای که با چین دارد.» احمدی ادامه داد: «مسئله این است که در چنین شرایطی موضوعات منطقه‌ای هم به نحوی تحت تاثیر رقابت‌های جهانی بین قدرتهای بزرگ قرار می‌گیرد. لحن مثبت ترامپ نسبت به ایران طی یکی دوهفته گذشته و همچنین در جریان سخنرانی دیروزش در کنست، می‌تواند در ارتباط با اولویت آمریکا برای تمرکز بر رقابت‌های جهانی باشد چراکه این رقابت در سطوح منطقه‌ای هم بازتولید خود را خواهد داشت. احتمالا اولویت اصلی ترامپ از این به بعد کمتر مسئله هسته‌ای ایران خواهد بود و بیشتر تلاش می‌کند تا حاکمکن ایران را قدری از محور چین کنار بکشد، بلکه ایران با تمام قوا در محور چین، روسیه و کره شمالی نباشد. در چنین شرایطی فرصت بسیار خوبی برای ایران وجود خواهد داشت که بکوشد تعادل و توازنی در سیاست خارجی خود ایجاد کند.» دیپلمات پیشین ایران در سازمان ملل تاکید کرد: «قرار گرفتن ایران در حاشیه جریان اصلی سیاست در خاورمیانه که دیروز و امروز در شرم‌الشیخ تثبیت شد، به نفع ایران نیست. حضور ایران در اجلاس مصر می‌توانست سیگنالی باشد که ایران می‌خواهد بر خودری متوازن در سیاست خارجی داشته باشد، اگر بپذیریم که ایران تاکنون در سیاست خارجی خود توازن نداشته، حضور در شرم‌الشیخ می‌توانست ایران را قدری به سمت مرکز طیف حرکت دهد و در نتیجه موجب حداقلی از توازن شود. مسئله هسته‌ای ایران دیگر برای آمریکا اهمیت سابق را ندارد. ترامپ می‌کوشد تا مسئله غنی‌سازی در ایران را حل شده نشان دهد اما مسئله هسته‌ای همچنان برای ما به خاطر تحریم‌هایی که دچار آن هستیم، بسیار مهم است. اعمال تحریم بر اشخاص و شرکت‌ها طی هفته‌های گذشته همچنان ادامه پیدا کرده است و این روند می‌تواند تشدید شود. این تحریم‌ها باید برداشته شود. با توجه به شرایط «نه جنگ، نه صلح» که دچار آن هستیم، شرایط اقتصادی و تعلیقی که وجود دارد، اگر تعادلی ایجاد نکنیم این تحریم‌ها می‌توانند بیش از پیش به ایران لطمه بزنند.» احمدی درباره موضوع گیری عراقچی نیز گفت: «من با صحبت آقای عراقچی موافق نیستم. موارد متعددی داریم از کشورهایی که حتی با یکدیگر در جنگ بودند اما مذاکره ورودرو و تعامل داشتند. ویتنام و آمریکا در اوج آن جنگ، از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵ در پاریس دوجانبه می‌نشستند و وودرومذاکره می‌کردند. ما هم پس از پایان جنگ بلافاصله مذاکره با عراق را شروع کردیم در حالی‌که بخش‌های زیادی از سرزمین ما همچنان در اشغال آن‌ها بود. بله در جریان جنگ ۱۲ روزه تجاوز ظالمانه‌ای از سوی آمریکا و اسرائیل به ایران صورت گرفت و الان در وضعیت آتش‌بس هستیم. اما مطلقا اینطور نیست که هیچ تماس و تعاملی میان طرف‌های درگیری نباید باشد. اصلا معمول نیست که یک کشور حاضر به شرکت در اجلاسی با حضور رهبران بیش از ۲۰ کشور نشود، به این دلیل که یکی از آنها قبلا به ما حمله کرده یا تهدید و تحریم می‌کند. اگر این‌طور است نباید در مجمع عمومی سازمان ملل هم شرکت می‌کردیم. آقای عراقچی چند شب پیش در تلویزیون گفت که قصد داشتیم در نشست چندجانبه در نیویورک با حضور نمایندگان ترویکا و ویتکاف شرکت کنیم اما ویتکاف حاضر نشد. این مواضع چه تناسبی باهم دارند؟ شاید قابل درک باشد که ایران با توجه به مواضع قبلی‌اش نخواسته باشد در سطح بالا با شرکت در نشست شرم‌الشیخ به طرح ترامپ و... اعتبار بدهد. اما اینکه بگوئیم چون طرف آمریکایی در اجلاسی حضور دارد، پس ما شرکت نمی‌کنیم قابل درک نیست. یعنی از این به بعد آمریکایی‌ها هر جا بودند ما در آنجا نخواهیم بود؟»

خط و نشان موشکی ترامپ برای روسیه



آیا رئیس‌جمهور موفق به دریافت استاندارد می‌شود؟

درباره عکسی از مسعود پزشکیان در مراسم بزرگداشت روز جهانی استاندارد

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

شاید با دیدن این عکس اولین سوالی که به ذهنتان رسیده این باشد که آیا رئیس‌جمهور کشورمان استاندارد است؟ یک لحظه صبر کنید منظور، آن استاندارد مربوط به لوازم خانه و ابزارآلات و عوامل فنی و مهندسی نیست. سوال این است که آیا مسعود پزشکیان بر اساس شاخص‌ها و معیارهای استاندارد یک رئیس‌جمهور موفق به دریافت چنین گواهینامه‌ای می‌شود یا نه؟ حواسم هست که ممکن است مطرح کردن این سوال کمی کودکانه به نظر برسد. چرا که وقتی درباره چنین سطحی از مقام سیاسی صحبت به میان می‌آید توقع این است که فرد مورد نظر حتما و حکما در آسمان بالاتری از این اتفاقات پیش پا افتاده سیر کند. ضمن اینکه در ساختار سیاسی ایران قبل از آنکه کسی بتواند در مقام انتخاب قرار بگیرد باید که از هفت‌خان رستم بگذرد. حالا تصور کنید ملت همیشه در صحنه قرار باشد بر اساس شاخص‌های استاندارد پای صندوق برونند. ویژگی یک رئیس‌جمهور استاندارد اول از همه توان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. دوم اینکه رئیس‌جمهور استاندارد باید که برنامه داشته باشد، برنامه‌ای اجرایی مشخص، قابل اندازه‌گیری و زمان‌بندی شده. در مرحله بعد رئیس‌جمهور باید با ساختار حکمرانی و قانون اساسی آشنایی داشته باشد و اگر قرار است گردای از کار فرو بسته ملت بگشاید یا شناخت از همین ساختار بگشاید. چهارم اینکه رئیس‌جمهور باید توان هماهنگی بین نهادهای مختلف را داشته باشد و بتواند با وفاق قضایا را حل و فصل کند. ذکر این نکته ضروری است که وفاق یک عمل بده‌بستانی است، یعنی اصولا نمی‌شود که وفاق تنها از یک زاویه اتفاق بیفتد. اصلا فارغ از بحث استاندارد کاسه‌آن جایی رود که باز آید قبح. در مرحله بعدی از استانداردهای یک رئیس‌جمهور به شاخص‌های شخصیتی می‌رسیم. بر اساس این شاخص‌ها رئیس‌جمهور اولاً باید در گفتار و عمل صادق باشد و شفاف عمل کند. ثانیاً در برابر خواسته‌های مردم پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشد. ثالثاً اینکه در ارتباط انسانی با مردم و منتقدانش متواضع باشد و به قانون احترام بگذارد. در بخش دیگری از استانداردهای یک رئیس‌جمهور به دانش و بینش تحلیلی و قدرت پیش‌بینی روندهای می‌رسیم؛ معیاری که ممکن است با کمک گرفتن از نخبگان و دانشگاهیان قابل تحقق باشد. مهم‌تر از آن اینکه این استفاده تنها در مقام حرف نماند و به مرحله تحقق برسد. معیار دیگری که از الزامات یک رئیس‌جمهور استاندارد است توان ارتباط موثر با رسانه‌ها و مردم است و رئیس‌جمهور باید با زبان روشن و بدون لکنت و ابهام و صادقانه گفت‌وگو کند و ظرفیت پذیرش انتقادات را داشته باشد. او با این کار می‌تواند برای ملتی الهام‌بخش باشد و بین مردم و نهادهای حکومتی اعتمادسازی کند. در بخش استانداردهای بین‌المللی رئیس‌دولت باید که از جهان و مناسباتش شناخت کافی داشته باشد و بتواند بر اساس مذاکره و تعامل سازنده با دیگر کشورها چرخ مملکت را بچرخاند. معیارهای عملکردی رئیس‌جمهور استاندارد با نتیجه گرفتن ملموس و قابل‌سنجش در دوران مسئولیت قابل پیگیری است. این به این معنی است که شاخص مورد نظر بعد از دوره مسئولیت امکان سنجش دارد. چرا که در مقام حرف همه مردم می‌توانند شاخص‌های کلان اقتصاد، عدالت اجتماعی، آموزش، آزادی، بهداشت، محیط زیست و... را رشد دهند و... حال شما بگوئید آیا مسعود پزشکیان می‌تواند رئیس‌جمهور استاندارد باشد؟



عکس: مرزنی / نگاه ایستنا